نردبان بازنشستگی

رویا صدر
تصویرگر: سام سلماسی

خبر: در ماندانائو، جزیره‌ای در اقیانوس آرام، اخیراً یک اپلیکیشن بازی به بازار آمده که نام آن «چالش معلمی» است. این بازی ۱۸ مرحله دارد و براساس سیستم آموزش‌وپرورش همان منطقه طرح‌ریزی شده است. اگر معلم بتواند آن را با موفقیت پشت سر بگذارد در نهایت قدرت رسیدن به بازنشستگی را پیدا خواهد کرد. بنا به گزارش خبرنگار ما، این مراحل از این قرار است؛

مرحلهٔ۱: غول کنکور را که ۱۲ سال تمام دنبالت کرده بود دست‌به‌سر کن و آن را سراغ شاگردانت بفرست.

مرحلهٔ۲: یک طرح درس بنویس و بی‌توجه به دنیا و مافیها سال‌ها از روی آن درس بده.

مرحلهٔ۳: بعضی همکارانت که چشم ندارند آسایش تو را ببینند ممکن است اصرار داشته باشند که تو با فناوری مدرن آشنا شوی و سعی کنی از آن در درس‌ها استفاده کنی. گول نخور و از روش‌ها و ابزار تدریس عصر نوسنگی فاصله نگیر.

مرحلهٔ۴: درس‌هایی را که هیچ‌وقت نمی‌دانستی به چه دردی می‌خورد توی کلهٔ بچه‌هایی فروکن که آن‌ها هم نمی‌دانند این درس‌ها به چه دردی می‌خورد.

مرحلهٔ۵: طرح ارتقا و رتبه‌بندی را با بالا بردن نمره‌ها تا آسمان هفتم و کپی پیست شایسته و درخور تحسین مقاله‌ها جدی بگیر که اگر مثل بعضی همکارانت جدی نگیری، برای گذشتن از مراحل بعدی کارت سخت می‌شود.

مرحلهٔ ٦: به توصیهٔ بعضی همکارانت برای برگزاری کلاس جبرانی گوش بده. سعی نکن مثل معلم‌های ناشی! با همان تعداد ساعات کلاس و همان میزان دستمزد بسوزی و بسازی...

مرحلهٔ ۷: در ملاقات با اولیای دانش‌آموز لزومی ندارد صاف و پوست‌کنده حرف بزنی. سعی کن در برابر ادعای: «بچهٔ من اینشتینه، تقصیر شماست» عکس‌العمل شایسته نشان دهی. مبادا بگویی که کمک مالی آن‌ها به مدرسه دردی را از نمره فرزندشان دوا نمی‌کند که کار خودت را برای رفتن به مراحل بعدی سخت کرده‌ای.

مرحلهٔ ۸: پذیرا باش. ممکن است کارشناس ارشد ناسا باشی، تو را بفرستند با پیش‌دبستانی‌ها روی ارتفاع گردن حیوانات جنگل مناطق حاره کار کنی و یا معلم ادبیات باشی تو را بفرستند تا به دبستانی‌ها شیوهٔ آبیاری گیاهان دریای کارائیب را یاد بدهی. با روی باز و آغوش گشاده کلاس‌های پیشنهادی را بپذیر و متأسفانه جای دیگه‌ای خالی نیست.

مرحلهٔ ۹: شجاع باش. شجاعت روبه‌رو نشدن با واقعیات را داشته باش. در یک جلسهٔ خواستگاری از همان ابتدا نگو که من یک معلم ساده‌ام.

مرحلهٔ ۱۰: در کلاس آموزش حین خدمت شرکت کن و سعی کن حین چرت زدن، چشمانت را چهارطاق باز نگه داری.

مرحلهٔ ۱۱: با وجود تب شدید، به مدرسه برو، چون بچه‌ها درس دارند و بیجا کردی مریض شدی.

مرحلهٔ ۱۲: اوراق امتحانی و تکالیف درسی بچه‌ها را به منزل بیاور و به آهنگ گوش نواز اعتراض خانواده دل بسپار.

مرحلهٔ ۱۳: رأس ساعت ۵/۵ از خواب بیدار شو و خودت را برای اجرای نقش در فیلم اکشن: «هل نده، خفه شدیم» در مترو و اتوبوس آماده کن.

مرحلهٔ ۱۴: اگر دیرت شده، دربستی بگیر. بی‌خیال تیک‌تاک ساعت و بوق و ترافیک و دود باش و با: «صبح قشنگت بخیر» شبکه‌های تلگرامی مشغول شو.

مرحلهٔ ۱۵: سراغ کار دوم و سوم برو و هم‌زمان، هندوانه‌هایی را که در طول تاریخ زیر بغل معلمان گذاشته شده است وزن کن و نتیجه را برایمان بفرست. (در مقیاس چارک)

مرحلهٔ ۱۶: وعده‌های داده شده به فرهنگیان را از طریق رسانه‌ها دنبال کن و لبخند بزن و فیلمش را برای ما بفرست تا به قید قرعه در برنامه‌های تلویزیونی به‌عنوان تماشاچی با گل لبخند، بنشینی و کف بزنی.

مرحلهٔ ۱۷: به‌عنوان ارباب‌رجوع به اداره‌ای برو و توی روی شاگرد تنبل سابقت که الان دارد پشت میز مدیریت برایت پشت چشم نازک می‌کند لبخند بزن.

مرحلهٔ ۱۸: اگر تمام مراحل فوق را با موفقیت گذراندی، آمادگی این را داری به افتخار بازنشستگی نائل شوی و راحت در خانه بنشینی و بگویی: «آخیش... خدا را شکر هنوز زنده‌ام... راستی جایی نمی‌شناسید حق‌التدریسی معلم بخواهند؟!...»